

تاریخچه ایران‌شناسی در اتریش

• اکرم صفایی

صرف‌نظر از روابط ایران باستان با غرب، اولین برخورد و رویارویی اروپای قرون وسطی با شرق، در جنگ‌های صلیبی بود



گراتس به عنوان پایتخت‌های این امپراتوری وسیع و قدرتمند، قرن‌های متمادی از مراکز مهم فرهنگی و علمی اروپا به شمار می‌رفت. تا این‌که در قرن بیستم در اثر جنگ جهانی این امپراتوری تجزیه و سرزمین‌های عمده آن مثل بوسنی و هرزگوین، کرواسی، مجارستان، اسلونی، چک، بخش‌هایی از لهستان، گالزین (اوکراین غربی امروز)، با واریا و شمال ایتالیا از آن جدا شدند.

بنابراین مقصود از «ایران‌شناسی در اتریش» مطالعات ایران‌شناختی است که پیش و بعد از حمله عثمانی‌ها در محدوده حکومتی هابسبورگ انجام شد و از جنگ اول جهانی به بعد در جمهوری فدرال اتریش ادامه یافت.

دولت هابسبورگ بعد از شکست مجارستان در سال ۱۵۲۶ میلادی ناچار بود، از یک طرف برای مذاکرات دیپلماتیک با دولت عثمانی و از طرف دیگر برای برقراری اتحاد سیاسی با حکومت صفوی در ایران، تعدادی از مترجمان زبده و مسلط به زبان‌های ترکی - عثمانی، عربی و فارسی را به کار گیرد.

گزارش‌ها و اسناد سیاسی هیأت‌های اعزامی اتریش به دربار

در بیست و پنجمین نشست، از سلسله نشست‌های مرکز نشر میراث مکتوب، در تاریخ ۹ دی ۱۳۸۳، دکتر نصرت‌الله رستگار درباره «سابقه ایران‌شناسی در اتریش» سخنرانی کرد.

دکتر رستگار که عضو هیأت علمی کمیسیون تحقیقات ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش و مدرس زبان و ادبیات و تاریخ ایران و تاریخ حکومت اسلامی‌هند، در دانشگاه وین است، در سخنان خود ضمن اشاره به شرایط تاریخی آشنایی اروپای قرون وسطی با فرهنگ و تمدن شرق، به ارائه گزارش‌هایی درباره سازمان‌یابی کلاس‌های تدریس زبان‌های شرقی در استانبول و وین در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی و در پی آن ایجاد مؤسسات و مراکز شرق‌شناسی و ایران‌شناسی علمی در وین از قرن ۱۸ به بعد و سرانجام اطلاعاتی در زمینه توسعه انشعابات ایران‌شناسی در اتریش پرداخت.

دکتر رستگار اظهار داشت:

صرف‌نظر از روابط ایران باستان با غرب، اولین برخورد و رویارویی اروپای قرون وسطی با شرق، در جنگ‌های صلیبی بود. این جنگ‌ها که در پوشش مذهبی و از قرن دوازده میلادی به بعد صورت گرفت علاوه بر اتحاد اروپاییان با یکدیگر، سبب آشنایی آنان با فرهنگ و تمدن شرق گردید. بدین ترتیب مطالعات مربوط به شرق و در بطن آن آشنایی اروپاییان با زبان و ادبیات عربی، ترکی و فارسی در قرن دوازده پایه‌گذاری شد.

از آن زمان به بعد متون مختلف ادبی، علمی، کلامی و فلسفی دانشمندان شرق که اغلب به زبان عربی بودند در سطح وسیعی به لاتین ترجمه شد. پس از جنگ‌های صلیبی، آنچه اروپایی‌ها و به خصوص اتریشی‌ها را از قرن ۱۶ به بعد با فرهنگ شرق و به ویژه با فرهنگ ترکی - عثمانی آشنا کرد، جنگ‌های عثمانی‌ها علیه سرزمین‌های شرق اروپا بود که تعدادی از آنها در آن زمان در قلمرو حکومت خاندان اتریشی هابسبورگ قرار می‌گرفتند. پراگ، وین و

دولت هابسبورگ بعد از شکست مجارستان در سال ۱۵۲۶ میلادی ناچار بود، از یک طرف برای مذاکرات دیپلماسی با دولت عثمانی و از طرف دیگر برای برقراری اتحاد سیاسی با حکومت صفوی در ایران، تعدادی از مترجمان زبده و مسلط به زبان‌های ترکی عثمانی، عربی و فارسی را به کار گیرد

صفویان و نیز مکاتبات بین دولت هابسبورگ و شاهان صفوی زمان شاه طهماسب به بعد (۱۵۷۶ - ۱۵۱۴ م) و اسناد مربوط به دوره قاجار، همگی دلالت بر آشنایی مترجمان اتریش با زبان فارسی دارند. بخش قدیمی این اسناد و آرشیو دولتی اتریش در وین و بخش مربوط به روابط گسترده تر ایران و اتریش در دوران قاجار هم در وین و هم در وزارت امور خارجه ایران، در تهران نگهداری می‌شوند.^۱

بنابراین از قرن ۱۶ م به بعد و متعاقب سفرهای هیأت‌های سیاسی اتریش به ایران، اتریشی‌ها از نزدیک با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا شدند و کارشناسان و مسئولان خاورمیانه در اتریش که اغلب در خدمت امور دیپلماسی دولت هابسبورگ قرار داشتند، برآن شدند که به صورت مؤثری به تحصیل و مطالعه سه زبان عمده شرق یعنی ترکی عثمانی، فارسی و عربی بپردازند.^۲

سازمان‌دهی به تحقیقات شرق‌شناسی

از سال ۱۵۷۵ م. به بعد، دولت اتریش به منظور تربیت مترجمان مورد نیاز، نوجوانانی را به صومعه کاتولیک‌ها در قسطنطنیه اعزام نمود که اقامت و تحصیل آنان اغلب با مشکلات عدیده‌ای همراه بود. به همین دلیل سرانجام در سال ۱۶۷۴ «انستیتو زبان نوباوگان»، (Sprachknaben institut) در استانبول تأسیس شد. همزمان با آن به دستور دولت هابسبورگ کلاس‌های تدریس زبان فارسی، ترکی و عربی تحت سرپرستی یوهان پودستا (Johann Bapdis Podesta) در دانشگاه وین نیز دایر گردید. این کلاس‌ها به مدت سه سال ادامه پیدا کرد و از تعداد هجده دانشجویکه در این دوره شرکت داشتند فقط سه نفر فارغ‌التحصیل شدند که در سال ۱۶۷۷ به همراه استاد خود پودستا برای تکمیل مطالعات شرق‌شناسی خود به قسطنطنیه اعزام گردیدند. با سفر پودستا به استانبول، تدریس زبان‌های شرقی در دانشگاه وین متوقف شد و تا صد و پنجاه سال بعد نیز ادامه نماند.^۳

با این وجود، نیمه دوم قرن ۱۷ م. آغاز دوران شکوفایی «شرق‌شناسی» در وین بود و این شهر از جمله مراکز مهم شرق‌شناسی اروپا به‌شمار می‌رفت.

دو شرق‌شناس معروف به نام‌های یوهان پودستا از ایتالیا و فرانتس. م. منینسکی، (Franz Mesgnien Meninski) از آلمان به وین آمدند و به طور دائم در آنجا اقامت گزیدند. از اقدامات مهم پودستا، ضمن تدریس در دانشگاه، تأسیس یک چاپخانه در وین بود که در آن برای اولین بار متون فارسی و عربی و ترکی به چاپ رسید.^۴ مشکلات فنی این چاپخانه پس از سفر پودستا، به ترکیه توسط منینسکی رفع شد و از آن به بعد چاپ متون شرقی در وین و سایر

شهرهای اتریش و مجارستان مرتباً توسعه یافت.^۵ اولین کتاب مهمی که در سال ۱۶۷۸ م. در وین به زبان لاتینی و با متن فارسی به چاپ رسید، کتاب چهل ستون بود و پس از آن لغت نامه چهار جلدی (عربی - فارسی - ترکی - لاتین) بود که منینسکی در سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۶۸۷ در وین تألیف و چاپ کرد. نام تعدادی از کتاب‌هایی که از قرن ۱۷ به بعد درباره ایران، در وین به چاپ رسیده در پیوست آمده است.

ایجاد مراکز شرق‌شناسی و ایران‌شناسی علمی در اتریش

نیاز مبرم حکومت هابسبورگ به متخصصین شرق‌شناس و ایران‌شناس و مشکلات و نارسایی‌های «انستیتو زبان نوباوگان» در قسطنطنیه موجب شد به دستور امپراتریس ماریاترزیایا در سال ۱۷۵۴ آکادمی شرق «Akademie K.K. orientalische» زیر نظر یوزف فرانتس (Josef Franz) در وین تأسیس گردد. تا به تربیت شرق‌شناسان مورد نیاز بپردازد.

در سرلوحه نامه‌ها و کتیبه ساختمان این آکادمی، جمله فارسی «از برای حق و از برای پادشاه» درج شده بود. در این آکادمی از این سال به بعد به مدت بیش از صد سال دروس و پژوهش‌های شرق‌شناسی و در یطن آن تدریس زبان فارسی و مطالعات ایران‌شناسی ادامه یافت و شرق‌شناسان و ایران‌شناسان برجسته‌ای از آن فارغ‌التحصیل شدند که در شناساندن فرهنگ شرق و ایران در اتریش و اروپا سهم به‌سزایی داشتند. ترجمه آثار ادیبان و مورخان ایرانی به زبان لاتین از جمله اقدامات مهم این آکادمی بود. از جمله این آثار می‌توان به ترجمه لاتینی گزیده‌ای از آثار شعرای ایرانی، تألیف کتابی درباره تاریخ ایران بر اساس روضة‌الصفای میرخواند، تألیف تاریخ ادبیات ایران، ترجمه آثار مولانا جلال‌الدین در شش جلد، ترجمه شاهنامه فردوسی به آلمانی، ترجمه دیوان اشعار حافظ، غزلیات شمس، بهارستان جامی، بوستان سعدی و.... اشاره نمود.

مهم‌ترین فارغ‌التحصیل آکادمی شرق که پس از نه سال تحصیل در وین در سال ۱۷۹۹ به استانبول رفت و پس از آن به ترکیه و شام و مصر سفر نمود، یوزف فرای فن هرهامر پورگشتال (Josef freiherr Von Hammer Purgstall) بود که می‌توان او را به حق پایه‌گذار شرق‌شناسی و ایران‌شناسی علمی در اتریش و تا اندازه‌ای در اروپا نامید. وی پس از مراجعت از سفر دوم، در سال ۱۸۰۹ اقدام به تأسیس نشریه ادواری ادبی «گنجینه شرق» نمود که تا سال ۱۸۱۹ مقالات و متون زیادی از جمله درباره زبان و ادبیات و فرهنگ اسلامی ایران در آن منتشر می‌گردید.

دو شرق‌شناس معروف به نام‌های یوهان پودستا از ایتالیا و فرانتس. م. مینسکی، از آلمان به وین آمدند و به طور دائم در آنجا اقامت گزیدند و از اقدامات مهم پودستا، ضمن تدریس در دانشگاه، تأسیس یک چاپخانه در وین بود که در آن برای اولین بار متون فارسی و عربی و ترکی به چاپ رسید



می‌دهد و از طرف دیگر در چارچوب جدید پژوهش‌های علمی خود، فرهنگ قدیم و جدید ایران و نیز فرهنگ‌های متأثر از تمدن ایرانی (Iranianate Civilizations) را در حوزه تمدن‌های مناطق آسیای نزدیک، میانه و جنوبی بررسی می‌کند.

این انستیتو، مبانی روش‌شناسی خود را براساس برداشت و تبیینی قرار داده است که در سال ۱۹۸۳ در مجمع مؤسسان «انجمن ایران‌شناسی اروپا» درم برای مفهوم ایران‌شناسی مشخص گردید و روش‌های متعدد علمی وسیعی برایش در نظر گرفته شد. از آن جمله روش‌های مطالعات فرهنگ‌شناختی (Cultural Studies)، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، هنرهای زیبای ایرانی و اسلامی، علم ادبیات، علم تاریخ و انسان‌شناسی فرهنگی قابل اشاره هستند.

بدین ترتیب، زبان‌شناسی شاخه‌های زبان‌های ایرانی و سنت‌های تاریخی و ادبی وابسته به آنها در زمان‌های گذشته (عهد باستان، دوره میانه و اوایل قرون وسطی) یکی از فعالیت‌های عمده انستیتو را تشکیل می‌دهد.

آگاهی از این که «دنیای ایرانی» (Monde iranien) با پیدایش و گسترش اسلام از لحاظ فرهنگی به شدت دگرگون شد، باعث شد زمینه‌های دیگری نیز به پژوهش‌های ایران‌شناسی اضافه شود. مثلاً: زبان‌شناسی زبان‌های جدید ایرانی، فارسی‌شناسی، مطالعات مربوط به قرون وسطی، همین‌طور تاریخ معاصر و بخش‌هایی از علم جدید ادبیات، انسان‌شناسی اجتماعی و انسان‌شناسی فرهنگی.

این فعالیت‌های جدید از نظرگاه منطقه‌ای متوجه کشورهای

هامر پورگشتال در سال‌های ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۴ دیوان اشعار حافظ را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد. یوهان ولفگانگ گوته، شاعر معروف آلمانی، در وایمار این ترجمه را مطالعه و بر پایه آن دیوان غربی - شرقی خود را سرود.

معرفی انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش

یکی از اقدامات اساسی پورگشتال که از نظر تاریخ علم در اتریش بسیار مهم است، تلاش برای تأسیس «فرهنگستان علوم اتریش» بود که سرانجام در سال ۱۸۴۷ محقق گردید و وی ریاست آن را بر عهده گرفت. بدین ترتیب پژوهش‌های ایران‌شناسی در اتریش از سال ۱۸۴۷ به بعد در این فرهنگستان مأوایی جدید پیدا کرد که تاکنون ادامه یافته است.

مطالعات ایران‌شناختی در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۰۳ م. در «کمسیون ایران‌شناسی» فرهنگستان علوم اتریش متمرکز شده بود. گسترش دامنه پژوهش‌های این کمسیون و نیاز به توسعه آن، فرهنگستان علوم را بر آن داشت تا در اول نوامبر ۲۰۰۲، «انستیتو ایران‌شناسی» را تأسیس کند.

باید در نظر داشت که کرسی و رشته تحصیلی «ایران‌شناسی» در هیچ یک از دانشگاه‌های کشور اتریش وجود ندارد و فقط انستیتو ایران‌شناسی فرهنگستان علوم در زمینه‌های متعدد ایران‌شناسی به تحقیق می‌پردازند.

انستیتوی مزبور از یک طرف پروژه مرکزی کمسیون سابق یعنی کار تألیف بقیه جزوات کتاب یازده جلدی نامنامه ایران را ادامه

نیاز مبرم حکومت هابسبورگ به متخصصین شرق شناسی و ایران شناسی و مشکلات و نارسایایی های «انستیتو زبان نوباوگان» در قسطنطنیه موجب شد به دستور امپراتریس ماریا تریزا در سال ۱۷۵۴ آکادمی شرقی زیر نظر یوزف فرانتس در وین تأسیس گردد. تا به تربیت شرق شناسان مورد نیاز بپردازد

ایران، افغانستان و تاجیکستان است که زبان رسمی آنها فارسی است. اما مناطق تاریخی تحت نفوذ فرهنگ ایرانی را نیز از نظر دور ندارد. از برنامه های درازمدت دیگر می توان به مطالعه فرهنگ های متأثر از فرهنگ ایرانی نام برد که در آن عمدتاً موضوع تطور تاریخی پدیده های «سنتی و مدرن» (tradition and modernity Iranianate civilizations between) مورد بررسی قرار می گیرد. به تبعیت از سنت ایران شناسی فرهنگستان علوم اتریش، علاوه بر زمینه های پژوهشی یاد شده، به موضوعاتی که احیاناً به اتریش ارتباط داشته باشند، نیز توجه می شود. به طور مثال برگزاری همایش بین المللی «ایران شناسی در اروپا، دیروز، امروز، فردا» که در سال ۲۰۰۲ در گراتس برگزار گردید و با تهیه و انتشار فهرست نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی و آرشیو دولتی اتریش که با همکاری استاد ایرج افشار تهیه و در تهران و وین منتشر شد. هم اکنون نیز ترجمه آلمانی قدیمی ترین کتاب طب به زبان فارسی یعنی حقایق الادویه، ابومنصور موفقی هروی که اتوفن ملنسر نیم قرن پیش انجام داده و نیز فرهنگ فارسی - آلمانی او در مرحله ویراستاری است. نیز ترجمه آلمانی تاریخ و صاف که در قرن ۱۹ به وسیله هامر پورگشتال صورت گرفته بود (ج ۲ تا ۵) نیز برای چاپ آماده می گردد.

انستیتو ایران شناسی فرهنگستان اتریش برای همکاری در پژوهش های بین المللی نیز برنامه ای در دست تهیه دارد از آن جمله پروژه های «مینیا توره های شاهنامه» (دانشگاه کمبریج)، «هویت های ایرانی» (CNRS - پاریس)، «ایجاد شبکه پژوهش در ایران شناسی اروپای مرکزی» (Network of Iranian Studies Central European) تا محققان بتوانند در همایش ها و کارگاه های پژوهشی این مرکز با مطالعات یکدیگر آشنا شده و با هم به تبادل نظر بپردازند و همچنین برای برپایی «ششمین کنگره مطالعات ایران شناختی اروپا» در سال ۲۰۰۷ م در وین برنامه ریزی می کند. وضعیت ایران شناسی در دانشگاه های اتریش

سنت شرق شناسی و ایران شناسی در دانشگاه وین که پس از یک دوره کوتاه سه ساله در سال ۱۶۷۷ به مدت بیش از صد و پنجاه سال متوقف مانده بود، مجدداً از اواسط قرن ۱۹ میلادی به بعد در دانشگاه وین رونق گرفت و در ابتدا بیشتر جنبه اسلام شناختی و نیز زبان شناسی تطبیقی پیدا کرد به طوری که در کنار زبان فارسی و تحقیق در ادبیات عرفانی فارسی، زبان اوستایی دوره هخامنشی و زبان های پارتی و پهلوی دوره ساسانی و نیز زبان های سانسکریت و هندی، مصری و غیره نیز مورد توجه قرار گرفت. این سنت شرق شناسی و ایران شناسی در دانشگاه وین با

تأسیس «انستیتو شرقی» در سال ۱۸۸۶ که بعدها نام آن به «انستیتو شرق شناسی» تغییر یافت و بیشتر شرح آن رفت - پایگاه علمی جدیدی پیدا کرد.

از سال ۱۸۷۲ تا سال ۱۹۷۱ این امکان وجود داشت که در دانشگاه وین در چهارچوب برنامه های درسی «انستیتوی شرقی» در رشته ایران شناسی با درجه دکتری فارغ التحصیل شد. اما با بازنشستگی پروفسور دودا در سال ۱۹۷۱ و با تغییر ساختار این انستیتو و ایجاد بخش های مستقلی برای رشته مطالعات ترکی (Turkologie) و عربی (Arabistik) رشته ایران شناسی (Iranistik) به عنوان یک رشته تحصیلی مستقل با کمال تأسف کنار گذاشته شد. اما تعداد معدودی از دروس مربوط به زبان و ادبیات فارسی، تاریخ فرهنگ و تاریخ هنر ایران که تاکنون در این انستیتو (در بخش مطالعات ترکی) و نیز در چند انستیتوی دیگر دانشگاه وین مثل «انستیتوی زبان شناسی، بخش زبان های هند و ژرمنی» و یا «انستیتوی مطالعات آسیای جنوبی، تبت و بودائیسیم»، «انستیتوی تاریخ هنر» و «انستیتوی حقوق» و غیره به عنوان دروس فرعی تدریس می شود که میزان آن فعلاً نزدیک به سی ساعت در هر سال تحصیلی می باشد.

در کنار دانشگاه وین، در دانشگاه گراتس نیز تا اواخر دهه دوم قرن بیستم امکان تحصیل و اخذ دکترای ایران شناسی عملاً وجود داشت. ولی به علت عدم داوطلب تحصیل از دهه سی به بعد سالیان متمادی است که دانشجویی در این شاخه تحصیل نمی کند. در حال حاضر گاهی فقط زبان «پهلوی» ساسانی توسط پروفسور میتل برگر در انستیتوی زبان شناسی تطبیقی تدریس می شود.

علاوه بر دانشگاه وین، در دانشگاه های زالسبورگ و اینسبورگ نیز گاهی زبان های باستانی ایران در چارچوب رشته «زبان شناسی تطبیقی، بخش زبان های هند و ژرمنی» تدریس می شود.

بنابراین آنچه گفته شد در حال حاضر در هیچ یک از دانشگاه های اتریش رشته تحصیلی ایران شناسی به عنوان یک رشته مستقل وجود ندارد. آقای دکتر رستگار در خاتمه سخنان خود اظهار داشتند در سالیان اخیر با حمایت های مسئولان وزارت امور خارجه و سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتریش و با مساعدت های همکارانم در انستیتوی شرق شناسی دانشگاه وین تلاش می کنیم به زودی رشته تحصیلی ایران شناسی حداقل در مقطع فوق لیسانس در دانشگاه وین دایر گردد.

ناگفته نماند که به ویژه از قرن بیستم به بعد، پژوهشگران اتریشی زیادی وجود داشته و دارند که مطالعات و نیز سفرهای مطالعاتی ایشان به ایران به طور فردی و بدون وابستگی به

پیوست:

منابع مهم درباره روابط اتریش (و آلمان) با ایران (از صفویه به بعد)

- Rudolf Neck: Diplomatische Beziehungen zum Vorderen Orient unter Karl V. In: Mitteilungen des österreichischen Staatsarchivs, Bd. 5, 1950, pp. 62-86.
- Hans Robert Roemer: Die Safawiden. Ein orientalisches Bundesgenosse des Abendlandes im Türkenkampf. In: Saeculum, Jg. 4, 1953, pp. 27-44.

- Barbara von Palombini: Bündniswerber abendländischer Mächte um Persien - 1435-1600, Hamburg 1968

- Helmut Slaby: Bindenschild und Sonnenlöwe. Die Geschichte der österreichisch-iranischen Beziehungen bis zur Gegenwart. Akademische Druck- und Verlagsanstalt Graz 1982; weitere Quellen ibid.

- Encyclopaedia Iranica, Vol. X. 2001, pp. 506ff.: Germany

- فهرست توصیفی سفرنامه‌های آلمانی موجود در کتابخانه ملی. گردآورنده: شهلا بابازاده، تهران ۱۳۵۷.

بعضی از اسناد و مکاتبات دولتی ایران و اتریش در مرکز اسناد دولتی اتریش

- Das Beglaubigungsschreiben Kaiser Maximilians II. Für Jakob Drapper (Original vom 8. März 1566, Augsburg)

- Die Instruktion Kaiser Maximilians II. für Jakob Drapper und dessen Mission nach Persien (Konzept Original vom 8. März 1566)

- Die Instruktion Kaiser Maximilians II. für Michael Zernovitz als Gesandten zu Tachmas von Persien (9 März 1566)

- Kaiser Rudolf II an den Schah von Persien (Konzept, 1. Juli 1609)

- Die deutsche Übersetzung des Schriebens Schah Abbas von Persien an Kaiser Rudolf II.

مؤسسات علمی و یا آکادمی صورت گرفته و از این راه خدمات فراوانی به سنت ایران شناسی در اتریش انجام داده‌اند.

از جمله یوزف تیفن نالر اتریشی که مدت‌ها در عهد حکومت مغول‌ها در هند می‌زیست و در سال ۱۷۸۵ برای اولین تاریخ حکومت نادرشاه را نوشت. آلفونس گابریل که روی کویرها و تاریخ ایران مطالعه کرد و یا اشخاصی مثل ویلهلم توماشک، فردیناند، آدام پولاک، اتوفن ملتسر، مونیگا هوترشتراسر و بسیاری دیگر. همچنین سهم مؤسسات انتشاراتی غیر دانشگاهی و غیر آکادمیک در چاپ و نشر متون فارسی در اتریش قابل ذکر است.

پی نوشت‌ها:

1- Helmut slaby: Bindenschild und sonnenlöwe. Akademische Druck- und Verlagsanstalt, Graz 1982.

شیر و خورشید، مؤلف: هلموت سلابی، گراتس ۱۹۸۲.

۲- ترجمه نامه‌ها و متون فارسی به زبان‌های لاتین و فرانسه - واز قرن ۱۸ به بعد نیز اکثراً به آلمانی - و گزارش‌ها و سفرنامه‌های هیئت‌های اعزامی دولت هابسبورگ که از قرن ۱۶ به بعد به ایران آمدند، همگی نمایانگر آشنایی آنان با زبان فارسی است. نک به فهرست توصیفی سفرنامه‌های آلمانی موجود در کتابخانه ملی. گردآورنده: شهلا بابازاده، تهران، ۱۳۵۷.

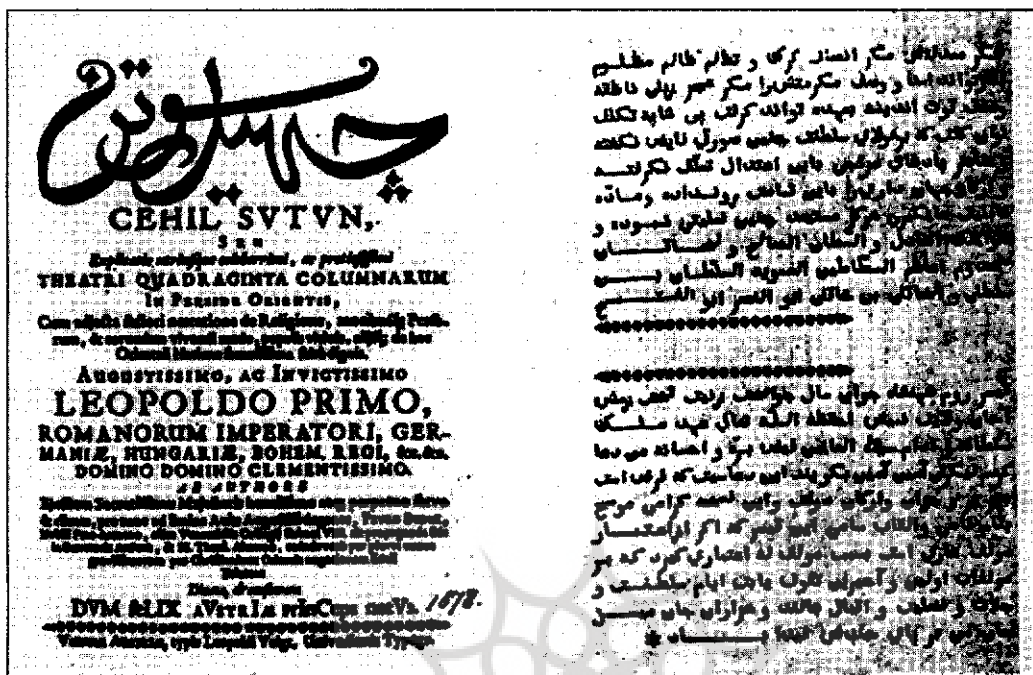
3- Anton cornelius schaendlinger: Turkologie und Iranistik in österreich In: Bustan, Jg. 4/5, Heft 4/1963-1/1964, pp. 8-11, p.9; Vgl. Hansl. Gotschalk: Die Arabistik in Österreich, In: Bustan, Jg. 4/5, Heft 4/1963-1/1964, pp. 3-7.

۴- (به نقل از بابینگر، ص ۱۱۴): پودستاکتب زیر را شخصاً در وین به چاپ رسانید:

- Tractatus Varii de linguis orientalibus, praecipue Arabica. persica et Turcica (Vienae 1669, 4)

- cursus grammaticalis linguarum orientalium. scilicet. arabicae, Persicae et turcicae. 3 Bde. 1703

- Ernst Dieter petritsch: Die wiener Turkologie Vom 16. bis Zum 18. Jahrhundert. In: Germano - Turcica. Zur Geschichte des Türkisch - Lernens in den Deutschsprachigen Ländern. Bamberg 1987. pp. 27-30.



تصویری از صفحه نخست کتاب چهلستون، تألیف مینسکی ۱۶۸۷ م.

پس از جنگ‌های صلیبی، آنچه اروپایی‌ها و به خصوص اتریشی‌ها را از قرن ۱۶ به بعد با فرهنگ شرقی و به ویژه با فرهنگ ترکی - عثمانی آشنا کرد، جنگ‌های عثمانی‌ها علیه سرزمین‌های شرقی اروپا بود

Völker.

- Wien 1769. Siehe Babinger (s.u.), p. 124, Anm.4.
- Ignaz Lorenz Freiherr v.Stuerner: Anthologia Persica, seu selecta e diversis Persis auctoribus exempla in latinum translata. Wien 1778 (z.n. Slaby: Tehran 1978, p.6.; Babinger, p.124/Anm.3)
- Bernardus de Jenisch: Mohammed Mirhond. Historia piorum regum Persarum post firmatum in regno islamismum, persice et latine. Wien 1782
- Johann Friedel: Fragmente über die Literaturgeschichte der Perser nach dem Lateinischen des Baron E.A. Reviczky von Reswissnie, Wien 1783.
- Franz von Dombay (z. n. - H. L. Gotschalk, 1963/1964, p. 3f.):
- Popular - Philosophie der Araber, Perser und Turken, theils gesammelt, theils aus orientalischen Manuscripten übersetzt. (Agram 1795)
- Persische Grammatik mit Übungen (um 1800?)
- Chabert: Latif's Biographische Nachrichten (Zürich 1800)

عناوین تعدادی از کتب و مقالات مربوط به ایران‌شناسی و دیگر رشته‌های شرق‌شناسی در اتریش (و آلمان):

عناوین بعضی از کتب چاپ‌شده در قرون ۱۷ و ۱۸ در اتریش

- J.B. Podestà:
- Tractatus varii de linguis orientalibus, praecipue Arabica, Persica et Turcica (Vienae 1669, 4^o - in der eigenen Druckerei)
- Mustaphae filii Husein Algenabii de gestis Timurlenkii Wien 1680 (in der eigenen Druckerei?)
- Cursus grammaticalis linguarum orientalium, arabicae scilicet, persicae et turcicae. 3 Bde. Wien 1703 (z. n. Babinger, ibid. p.114):
- P.Bedik: Chehel Sutun, Wien 1678 (Handout Nr.3)
- Franciscus v.M.Meniniski:
- Thesaurus linguarum orientalium. Wien 1680 (NB o. Sign. 4 Kopien)
- Complementarum Tesauri linguarum seu Onomasticum Latino- Turcico- Arabico- Persici... Wien 1687. (NB o. Sig. Kopie) - Neuausgabe durch
- Bernardus Jenisch, Wien 1780, in der Kurtzböckschen Druckerei, der Erbin der Meniniskia Druckerei, hergestellt.
- C.E.A. Reviczky: Ibrahim Mutefarriqa's Grundsätze der Erkenntnisse in der Leitung der

- یکی از اقدامات اساسی پورگشتال که از نظر تاریخ علم در اتریش بسیار مهم است، تلاش برای تأسیس «فرهنگستان علوم اتریش» بود که سرانجام در سال ۱۸۴۷ محقق گردید و وی ریاست آن را بر عهده گرفت
- Heinrich Pfusterschmid-Hardtenstein: Von der Orientalischen Akademie zur k.k. Konsularakademie. In: Die Habsburgermonarchie 1848-1918, Bd. VI, 1. Teil, Verlag der öAW, 1989, pp. 122-195. Dort auch weitere Literatur zur orientalistischen Tradition dieser Einrichtungen
 - Bert G. Fragner: Iranische Kultur, Geschichte und Sprachen in islamischer Zeit vom Mittelalter bis zur Gegenwart: Ein Forschungsbericht aus den deutschsprachigen Ländern (Deutschland, Österreich, Schweiz). In: Forschungsforum, Heft 2, 1990, p. 101-116
 - Oskar E. Pfeiffer: 75 Jahre Institut für Sprachwissenschaft der Universität Wien- und wie es dazu kam. In: Sprache 38/3 (1999), [2001] (= Chronicalia Indoeuropaea 38) معروف‌ترین کتب مربوط به «تاریخ ادبیات ایران» به زبان آلمانی
 - Jan Rypka Iranische Literaturgeschichte. Leipzig 1959, erweitert englische Ausgabe: History of Iranian Literature, ed. by K. Jahn, Dodrecht 1968
 - Hermann Eht: Neupersische Literatur. In: W. Geiger, K. Kuhn: Grundriss der Iranischen Philologie, 1895-1904, 19742 Walter de Gruyter. Berlin. New York, 2. Bd., 2. Abschn., pp. 212-368
- نام معروف‌ترین پژوهشگران اتریشی قرن ۱۹ و عناوین تعدادی از آثار ایران‌شناختی آنان
- Josef Freiherr von Hammer-Purgstall
 - Periodische Zeitschrift (Hrsg.): Fundgruben des Orients, 1809-19, 6 Bde.
 - Der Diwan von Hammer. 2 Bde., Stuttgart und Tübingen 1812-13. Ein neuer Nachdruck davon: Hafes. Der Diwan. 2 Bde. Yinyang Media Verlag, Regina Berlinghof, D-65779 Kelkheim, 1999
 - Probe einer Übersetzung des Schahname,
 - Weiss v. Starckenfels: Die k.k. orientalische Akademie zu Wien... , Wien 1839 (z. n. Kraeplitz / Wittek 1922, p. 3f.)
 - Zur ersten Säkularfeier der kaiserlichen Akademie der Orientalischen Sprachen im Jänner 1854. Wien 1854 (z. n. Kraeplitz / Wittek 1922)
 - Festschrift der k.u.k. Konsularakademie zur Feier des 150-jährigen Bestandes. Wien 1904 (z. n. Kraeplitz / Wittek 1922)
 - Franz Babinger: Die türkischen Studien in Europa bis zum Auftreten Josef von Hammer-Purgstalls. In: Die Welt des Islam, Band 7, Berlin 1919. Heft 3/4 p. 103-132.
 - Friedrich Kraeplitz und Paul Wittek (Hrsg.): Mitteilungen zur osmanischen Geschichte. Bd. 1, 1921/22, Wien 1922, Einleitung, pp. 1ff.
 - Erich Frauwallner: Geschichte und Aufgaben der Wiener Indologie. Sonderabdruck, Anzeige phil.-hist. Klasse der öAW, 1961, Nr. 10, 77-95.
 - Hans L. Gotschalk: Die Arabistik in Österreich. In: Bustan, Jg. 4/5, Heft 4/1963-1/1964, pp. 3-7
 - Anton Cornelius Schaendlinger: Turkologie und Iranistik in Österreich. In: Bustan, Jg. 4/5, Heft 4/1963-1/1964, pp. 8-11
 - Manfred Mayrhofer: Irans Kultur- und Sprachenwelt in der Arbeit der österreichischen Akademie der Wissenschaften. In: Bustan 4/1970-1/1971, erweitert und publiziert in Acta Iranica. 1. Serie, Bd. 1, 1974 pp. 328-334.
 - Helmut Slaby:
 - Katalog zur Ausstellung "Der Iran in der österreichischen Buchproduktion" (ab dem 17. Jh.), Pahlavi Library Tehran 1978, 1-22
 - Bindenschild und Sonnenlöwe. Akademische Druck- und Verlagsanstalt Graz 1982
 - Ernst Dieter Petritsch: Die Wiener Turkologie vom 16. bis zum 18. Jahrhundert. In: Germano-Turcica zur Geschichte des Türkisch - Lernens in den deutschsprachigen Ländern. Bamberg 1987, 25-40

Texte und erläuternden Anmerkungen, Wien 1838

- Biographische Notizen über Mewlana Abdurrahman Dschami. Wien 1840
- Drei allegorische Gedichte Mollah Dschami's. Wien 1840
- Der Diwan des groben lyrischen Dichters Hafis im persischen Original herausgegeben, ins Deutsche metrisch übersetzt und mit Anmerkungen versehen. 2 Bde., Wien 1858
- Ottokar Maria Freiherr von Schlechta-Wssehrd
 - Frühlingsgarten von Mewlana Abdurrahman Dschami. Wien 1846 (eine Übersetzung von Jamis Baharistan: z. n. Slaby 1978, p.7)
 - Ibn Jemin's Bruchstücke. Aus dem Persischen. Wien 1852,
 - Der Fruchtgarten von Saadi, Wien 1852 ["Bustan"]
 - Jussuf und Suleicha. Romantisches Heldengedicht von Firdussi. Aus dem Persischen zum ersten Male übertragen. Wien 1889 - wir wissen heute, daß dieses Epos nicht von Firdausi stammt.

Für einige seiner weiteren Arbeiten siehe:

Dokumentation zur österreichischen Akademie der Wissenschaften 1847-1972, Wien 1972, Bd. 1, 2. Teil p.89f. (4.17.2: Iranistik), weiteres im Bd.1, 1. Teil, p.257f.

- Jaques de Wallenbourg
 - Notice sur le Schahname de Ferdoussi, Wien 1810
- Moriz Wickerhauser
 - Blütenkranz aus Dschamis zweitem Diwan. Wien 1858
- Helmut Slaby: Katalog zur Ausstellung "Der Iran in der österreichischen Buchproduktion" (ab dem 17. Jh.), Pahlavi Library Tehran 1978, 1-22 175

Erzählung Sam's und Sal's mit dem Simurg. In: Fundgruben 3, 1813, 57-64.

- Geschichte der schönen Redekünste Persiens mit einer Blütenlese aus zweihundert persischen Dichtern. Wien 1818 (basierend auf Daulatsah's Tazkirat as-su'ara)

- Geschichte des Osmanischen Reiches (10 Bde. 1827-33)

- Wamiq und Asra, das ist der Glühende und die Blühende. Das älteste persische romantische Gedicht. Wien 1833

- "Gul u Bulbul", d.i. Rose und Nachtigal, Pest 1834

- über die innere Länderverwaltung unter dem Chalifate. 1835

- Mahmud Schabisteris Rosenflor des Geheimnisses, Pest, 1838 [persischer Text mit deutscher Übersetzung von Mahmud Sabistri's Gulsan-i Raz]

- [Teile der] Geschichte Wassafs, Wien 1856

Für einige weitere Arbeiten Hammers von 1811-34 siehe D.Duda: Islamische Handschriften. Persische Handschriften. Phil.-hist. Klasse der öAW, Denkschriften, 167. Bd. Wien 1983, p.298. Für weitere siehe Dokumentation zur österreichischen Akademie der Wissenschaften 1847-1972, Wien 1972, Bd. 1, 2. Teil, p.89f. (4.17.2: Iranistik), im Bd.1, 1. Teil p.96-98

• Vinzenz Ritter von Rosenzweig-Schwannau

- Josef und Suleicha; historisch-romantisches Gedicht aus dem Persischen des Mewlana Abdurrahman Dschami, Wien 1824

- Auswahl aus den Diwanen des größten mystischen Dichters Persiens, Mewlana Dschelaleddin Rumi aus dem Persischen mit beigelegtem Original -